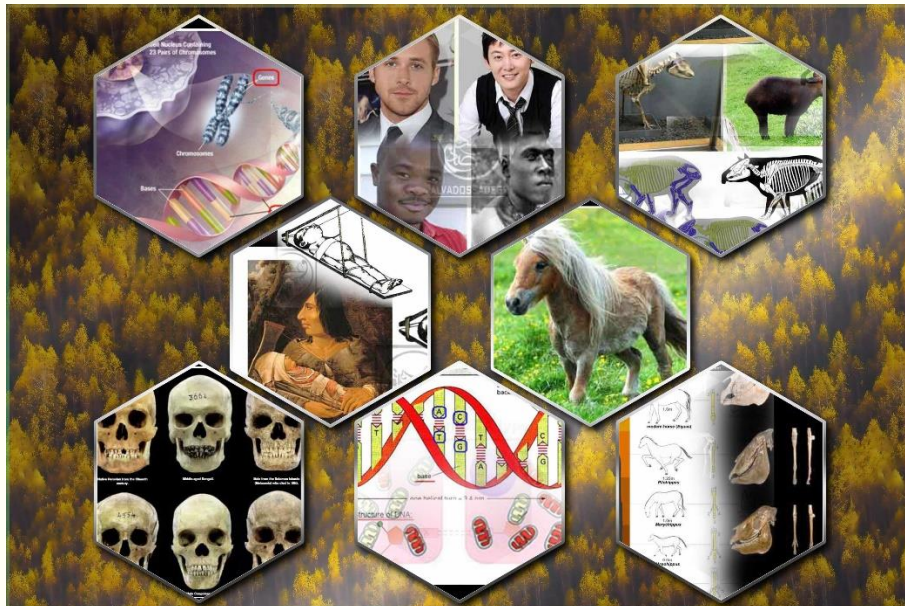


بسم الله الرحمن الرحيم

فرضیه ی تکامل؛ منطقه ی ممنوعه! (۵)

مقدمه



تذکر: سلسله مقالات «فرضیه ی تکامل؛ منطقه ی ممنوعه!» متعلق به وبسایت «وعده صادق» به نشانی www.alvadosadeqh.com می باشد. وبگاه «شکوه آفرینش: shokooh-afarinesh.ir» تنها این مطالب را جمع آوری کرده است و نکات مهم آن را برجسته، خط کشی و رنگ گذاری کرده و آن ها را در قالب PDF عرضه کرده است. بنابراین خوانندگان محترم هم چنین می توانند برای مطالعه ی این سلسله مقالات به وبگاه «شکوه آفرینش» و یا به بخش «مقالات ویژه» در وبگاه «وعده صادق» مراجعه نمایند.

هم چنین، همان طور که در بند بعد می خوانید طبق بیان نویسنده این مقالات انتشار این مطالب بدون ذکر منبع اصلی (سایت وعده صادق) مورد رضایت نویسنده ی آن ها نمی باشد:

}}با توجه به نابرابری عددی جبهه ی منتقد «فرضیه ی تکامل» با جبهه ی حامیان آن، قطعاً دوستان عزیز و بزرگواری هستند که تمایل دارند تا به نشر این سلسله مقالات کمک نمایند و ان شاء الله ما را در مسیر پیش رو، یاری فرمایند. ضمن تشکر از این عزیزان و بزرگواران، استدعا می نمایم که تمامی مطالب نقل شده از این سلسله مقالات، با ذکر منبع باشد.

به دلیل بروز مشکلات زیاد ناشی از عدم درج منبع مقالات لینک داده شده یا کپی شده از وبسایت «وعده ی صادق» و ناتوانی بسیاری از افراد کپی کننده ی این مطالب از پاسخگویی به سوالات و شبهات طرف مقابل، وبسایت «وعده ی صادق»، پیگیری این نوع کپی کاری بدون درج منبع را از طریق مجاری قانونی، حق خود می داند.}}

با کسب اجازه از محضر حضرت ولی عصر، بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

و با سلام و درود به ارواح پاک شهدای علمی عرصه ی دانش هسته ای

مقدمه و سخنی با مخاطبان محترم

برادران ارجمند و خواهران گرامی! باید خاطر نشان نماییم که در ۱ سال سپری شده، بنده و سایر دوستان، به تهیه و تدوین مقاله ی جدید اشتغال داشته ایم و افتخار داریم تا قسمت ۵ سلسله مقالات « فرضیه ی تکامل؛ منطقه ی ممنوعه! » را که حاصل تلاش ۱ ساله ی ما است، خدمتتان تقدیم نماییم.

قسمت ۵ سلسله مقالات « فرضیه ی تکامل؛ منطقه ی ممنوعه! »، یکی از سنگین ترین بخش های تألیف شده از این سلسله مقالات می باشد؛ به طوری که از نظر حجمی، قسمت ۵ این سلسله مقالات، از مجموع کل قسمت های قبلی تعداد صفحات بیشتری دارد! البته ماجرا تنها به حجم بیشتر قسمت ۵ ختم نمی گردد! بلکه محتوای این قسمت نیز دارای ظرایف و پیچیدگی های بسیار زیادی است که بعضاً موجب گردید تا اضافه کردن ۱ پاراگراف به این بخش از سلسله مقالات، در گرو مطالعه ی ۱۱۷ مقاله ی علمی از نشریات مشهور علمی همچون Nature و Science در محدوده ی زمانی ۳ الی ۴ روز باشد!!!

علی رغم سختی کار، به دلیل عشق به مسیری که در آن قدم نهاده ایم و به خصوص رویت شواهد بیشتر علمی که تأیید کننده ی دیدگاه حاکم بر این سلسله مقالات می باشد، از پانیفتهاده و با شوقی بیشتر از قبل در این مسیر، قدم بر خواهیم داشت.

اما قبل از ورود به مقاله، باید چند نکته را خدمت دوستان و مخاطبان محترم، متذکر شویم:

۱- قبل از هر چیز از دوستان عزیز، به دلیل ایجاد فاصله ی زیاد بین قسمت ۴ و ۵ مقاله، پوزش می طلبیم. البته همانگونه که در بالا نیز ذکر شد، تعمد، سستی، کاهلی و دلزدگی عامل این موضوع نبوده است، بلکه به دلیل ماهیت علمی بخش های جدید مقالات، نگارش این بخش ها،

بسیار سخت تر از سایر مقالات و حتی قسمت های قبلی این سلسله مقالات می باشد. از دوستان استدعا داریم که در مواجهه با قسمت های آتی مقالات نیز سعی صدر به خرج دهند.

۲ - با توجه به این که این سلسله مقالات، همزمان دو مخاطب « عام » و « خاص » شامل مخاطبان « آکادمیک » و « غیر آکادمیک » را مد نظر داشته است، تلاش نمودیم تا ضمن حفظ روش علمی نقد « فرضیه ی تکامل »، از زبان ساده و قابل فهم استفاده نماییم و حتی در این راستا، اشکال و تصاویر متعددی را نیز به کار گرفته ایم تا مخاطب « عام » نیز از نکات اصلی مباحث بهره مند شود.

۳ - با توجه به حجم زیاد قسمت ۵ این سلسله مقالات، خود قسمت ۵ به بخش های کوچکتری تقسیم شده است که هر کدام به صورت جداگانه منتشر خواهند شد.

۴ - حدود ۱۰۰ سال است که « فرضیه ی تکامل » از سوی مافیای علمی و دوستداران چشم و

گوش بسته اش، به صورت بی محابا و پروپاگاندا گونه از رسانه های جمعی عام و مجامع

آکادمیک، در بوق و کرنا می شود و در این راه به قدری افراط وجود دارد که جشن تولد ۲۰۰

سالگی « داروین » از سوی نشریات و موسسات معروفی

همچون American Scientist, Science, Nature و New Scientist جشن گرفته

می شود^(۴۵) و در حالی که دسترسی به مقالات علمی این نشریات در رشته های مختلف علمی،

با دشواری ها و صرف مبالغی هنگفت میسر می گردد، مدیران این موسسات، استثنائاً!!! به دلیل

تولد « داروین »، بذل و بخشش عجیبی در مورد مقالات پیرامون « فرضیه ی تکامل » به خرج

داده و امکان دانلود آن ها را به صورت رایگان در اختیار مخاطبان می گذارند!!!^(۴۵) البته نگارنده

نیز از این موقعیت استفاده نمود تا حداقل این دست مقالات را بدون سپری کردن مشکلاتی که

در خصوص مقالات دارای نکات ابهام زا علیه «فرضیه ی تکامل» وجود دارد، دریافت نماید!

خلاصه ی کلام این که طرفداران « فرضیه ی تکامل » و مافیای بین المللی آن که متاسفانه بیم نفوذ آن در کشورمان نیز می رود، لشکر عظیمی از امکانات، منابع مالی و اقتصادی، نیروهای انسانی و رسانه های آکادمیک و غیر آکادمیک را در اختیار گرفته اند؛ حال آن که در جبهه ی مخالف آن ها، تلاش های پراکنده ی محققان، دانشمندان و صاحب نظران مستقل مخالف «فرضیه ی تکامل» به چشم می خورد که همچون سوزن در انبار گاه، جمعیت بسیار قلیلی را تشکیل می دهند و همین عده ی قلیل نیز با محدودیت ها و دشواری ها و مشکلات متعددی به فعالیت می پردازند تا مانع قربانی شدن حقیقت علم شوند.

یادآوری این مسئله، به این دلیل بود که دوستان و بزرگواران مخاطب و بسایت، سختی و دشواری راهی که در پیش گرفته شده را لمس نمایند و با حوصله ما را همراهی نمایند. بالطبع با انتشار یک مقاله در نقد « فرضیه ی تکامل »، به واسطه ی رسانه های تحت امر مافیای تکامل و افراد فریب خورده ی مات و مبهوت شده در مقابل این **شعبده ی به ظاهر علمی**، انواع توهین ها و برچسب ها به سوی نویسندگان این مقالات انتقادی روانه خواهد شد و با توجه به تعداد کم افراد حاضر در جبهه ی منتقد تکامل و مشغله ی زیاد افراد حاضر در این جبهه، پاسخ های درخور این ادعاها، با تأخیر منتشر خواهد شد. بنابراین دوستان انتظار نداشته باشند که پاسخ این هجمه ها، بلافاصله منتشر شود؛ چرا که اشتغال به پاسخ گویی به این حمله ها، وقت و توان جبهه ی منتقد تکامل را مصروف خود خواهد کرد. به دوستان عزیز و بزرگواران این قول را می دهیم که تمامی سوالات مطرح شده در ذهن این عزیزان و تمامی جزئیات مربوط به ادعاهای تکامل شناسان، قطعاً تا اتمام این سلسله مقالات، بررسی خواهند شد. البته **ان شاء الله** اگر عمری باقی باشد!

۵ - عباراتی همچون « فکر می کنی خیلی بلدی؟ »، « فقط تو زیست شناسی رو می فهمی؟ »، « یعنی این همه دانشمند توی دنیا کشک هستند و فقط تو این مطالب رو بلدی؟ »، « امان از شما افراطی ها! »، « شما با این کارها به اسلام ضربه می زنید!!! »، « تکامل یک نظریه ی کاملاً اثبات شده است. شما برو مطالعه کن! » و ... امثالهم عبارات آشنایی هستند که از طرف «مخالفان جبهه ی منتقد تکامل»، پیاده نظام های بی جیره و مواجب داروینیسیم و عاشقان چشم و گوش

بسته ی « فرضیه ی تکامل » شنیده می شود و این افراد به جای این که ایرادات و ابهامات علمی را به زبان علمی پاسخ دهند، از کلمات و عبارات کوچه بازاری و لمپنی بهره می برند! (گرچه بسیاری از آن ها رزومه ی علمی خود را نیز در کنار نظر خود درج می کنند!). به هر حال با توجه به شناخت وبسایت « وعده ی صادق » از این گونه حملات پروپاگاندا مانند، پیشاپیش به دوستان و مخاطبان محترم توصیه می کنیم که حمایت ها یا نقدهای خود را به زبان علمی و منطقی در زیر این سلسله مقالات درج نمایند.

۶ - با توجه به نابرابری عددی جبهه ی منتقد « فرضیه ی تکامل » با جبهه ی حامیان آن، قطعاً دوستان عزیز و بزرگواری هستند که تمایل دارند تا به نشر این سلسله مقالات کمک نمایند و ان شاء الله ما را در مسیر پیش رو، یاری فرمایند. ضمن تشکر از این عزیزان و بزرگواران، استدعا می نمایم که تمامی مطالب نقل شده از این سلسله مقالات، با ذکر منبع باشد.

۷ - به دلیل بروز مشکلات زیاد ناشی از عدم درج منبع مقالات لینک داده شده یا کپی شده از وبسایت « وعده ی صادق » و ناتوانی بسیاری از افراد کپی کننده ی این مطالب از پاسخگویی به سوالات و شبهات طرف مقابل، وبسایت « وعده ی صادق »، پیگیری این نوع کپی کاری بدون درج منبع را از طریق مجاری قانونی، حق خود می داند.

۸ - خدمت دوستان محترم، این نکته را متذکر می شویم که بیش از ۹۰ درصد مطالب پیش روی شما، از مقالات معتبر علمی چاپ شده از سال ۲۰۰۰ میلادی تا کنون اقتباس شده است و به همین دلیل، منابع مورد استفاده، اکثراً بسیار جدید و معتبر هستند. البته به دلیل این که مخاطب « عام » نیز از این مطالب بهره می گیرد، تلاش شده است تا حتی الامکان به منابع آنلاین و سهل الوصول لینک داده شود که البته مطالب مندرج در لینک های نامبرده نیز خودشان به مقالات اصلی و معتبر آکادمیک لینک داده اند. به هر حال در برخی قسمت ها، لینک های در دسترس موجود نبود که به همین علت، ناچاراً به صورت مستقیم، به مقالات آکادمیک رفرنس داده شده است که بالطبع در برخی موارد، برای دسترسی به متن کامل آن ها نیاز مبرم به

استفاده از پسورد دانشگاه های معتبر یا حضور در کتابخانه های دیجیتال کتابخانه های دانشگاه های معتبر داخلی وجود دارد. به همین دلیل از مخاطبان « عام » این سلسله مقالات، به دلیل احتمال عدم دسترسی کامل به برخی منابع، پوزش می طلبیم.

۹ - با توجه به مطالبی که در بالا گفته شد، از منتقدین مقالاتمان درخواست می نمایم که از ذکر عباراتی همچون « از لینک دادنتون به ویکی پدیا معلومه که چند مرده حلاجین؟! !!! » و امثالهم خودداری کنند؛ چرا که برای راحتی و در دسترس بودن مخاطبان عزیز، در برخی موارد به ویکی پدیا لینک داده شده است و البته در مواردی که به ویکی پدیا و امثالهم لینک داده شده است، لینک مقالات آکادمیک اصلی، در ویکی پدیا قابل دستیابی هستند. بنابراین افرادی که هدفشان صرفاً لجبازی و بهانه گیری نیست، به راحتی می توانند به مقالات آکادمیک اصلی نیز دست یابند! به همین دلیل این گونه ایرادات بنی اسرائیلی به هیچ عنوان قابل قبول نخواهد بود.

۱۰ - دوستان گرامی توجه داشته باشند که این سلسله مقالات، به صورت موضوعی طراحی شده است. یعنی در یک مقاله، صرفاً به « زمان سنجی رادیومتریک » پرداخته شده، و در یک الی دو مقاله صرفاً به « توالی های فسیلی » پرداخته می شود و در قسمت های بعدی نیز به ترتیب به « درخت فیلوژنتیک »، « شباهت ها و تفاوت های ژنومیک و پروتئومیک »، « اندام های هومولوگ و وستیجیال » و ... پرداخته خواهد شد. بنابراین از دوستان همراه و منتقدان محترم درخواست می گردد که از اظهار نظر پیش از موعد و خارج از دستور کار هر سلسله مقاله خودداری فرمایند و بگذارند تا موضوع مورد اشاره ی آن ها در مقاله ی متناظر آن، مطرح گردد و چه بسا در مقالات آتی این سلسله مقالات، خود به خود به ابهامات و سوالات این عزیزان، پاسخ داده شود! با توجه به وقت کم و مسئولیت شغلی و درگیری های آکادمیک اینجانب و محدودیت های زمانی که در مورد وبسایت با آن مواجه هستیم، به دوستان متذکر می شویم که از پاسخگویی به مطالب غیر مرتبط با دستور کار هر مقاله، خودداری خواهیم نمود تا ان شاء الله وقت مربوطه، صرف آماده شدن قسمت های بعدی این سلسله مقالات و پاسخگویی کامل تر به سوالات اساسی دوستان گردد. با توجه به این مسئله، منتقدان محترم تصور نمایند که اگر پاسخی به انتقادات آن ها

داده نمی شود، به دلیل ندانستن پاسخ سوالات، ابهامات و ایرادات آن ها است! بلکه ان شاء الله پاسخ آن ها را به صورت علمی و مستدل در مقاله ی متناظر خواهیم داد.

۱۱ - سوالی که ممکن است در ذهن مخاطبان محترم وبسایت ایجاد شود، این نکته است که علی‌رغم انتقادات جدی ما به بسیاری از نشریات علمی و مافیای اداره کننده ی آن ها، چگونه است که خود ما به برخی از این مقالات استناد می کنیم؟

پاسخ مبسوط و مفصل به این سوال بسیار وقت گیر بوده و ان شاء الله در جای خود و در قسمت‌های آخر این سلسله مقالات، به آن ها پرداخته خواهد شد. اما پاسخ کوتاه ما به این سوال احتمالی به شرح زیر است:

بسیاری از مقالاتی که ما به آن ها استناد کرده ایم، گرچه از دل همین مجلات مشهور بیرون آمده اند، اما برخورد این مجلات و سایر رسانه های عمومی با آن ها همانند مقالات معمولی بوده و مطالب مورد اشاره توسط آن ها در قالب مقاله باقی می ماند و معمولاً انتشار عمومی نمی یابد، حال آن که کوچکترین مقاله ای که در آن مطلبی جدید در راستای تأیید ادعاهای « فرضیه ی تکامل » مطرح می شود، به سرعت در تمامی نشریات علمی، نشریات عمومی، سایت های خبری، اخبار تلویزیونی و حتی اخبار تلویزیون کشور خود ما نیز پخش می شود!!! جالب این که حتی مقالات بعدی که در رد اطلاعات منتشر شده ی قبلی انتشار می یابد، با سیاست بایکوت و سکوت مواجه می گردد.

البته نشریات معروف علمی، برای حفظ ظاهر خود، هر از چند گاهی به مقالاتی که در دل خود حاوی نکات چالش برانگیزی پیرامون « فرضیه ی تکامل » هستند، اجازه ی چاپ می دهند که در ظاهر، بی طرفی خود را نشان دهند و وجهه ی خود را مخدوش ننمایند! اما در مرحله ی بعد، تنها مقالاتی موفق به انتشار در سطوح وسیع و حتی در سطح رسانه ها می شوند که حاوی مطالبی در تأیید « فرضیه ی تکامل » باشند!

۱۲ - سوال دیگری که ممکن است از سوی مخاطبان محترم وبسایت مطرح شود، این است که آیا نویسندگان مقالاتی که ما به آن‌ها استناد نموده و از شواهد کشف شده توسط آن‌ها، در نقد « فرضیه ی تکامل » بهره می‌بریم، خودشان نیز به مشکل دار بودن فرضیه ی تکامل معتقدند؟

پاسخ به این سوال نیز مفصل بوده و ان شاء الله در جای خود و در قسمت‌های آخر این سلسله مقالات، به آن‌ها پرداخته خواهد شد. اما پاسخ کوتاه ما به این سوال احتمالی به شرح زیر است:

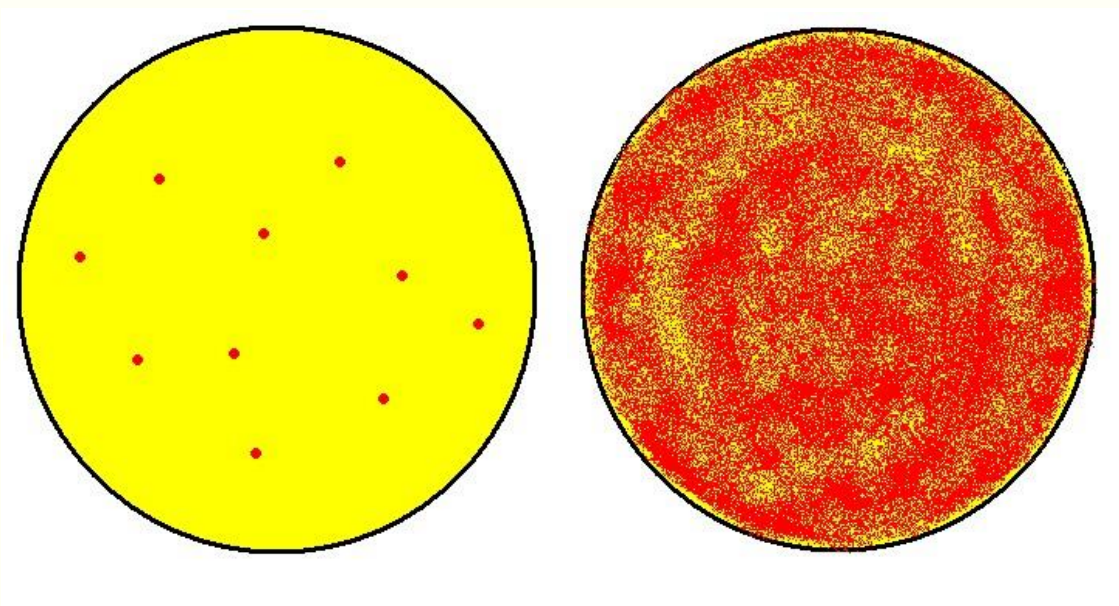
برخی از محققین و مولفان مقالات مذکور، شخصاً در مقالات خود، به تبعات نامناسب کشفیاتشان برای مفروضات قبلی « فرضیه ی تکامل »، معترفند و برخی دیگر از محققان، در مورد نقض مفروضات « فرضیه ی تکامل » به وسیله ی یافته‌هایشان، چندان معترف نیستند، اما ذکر می‌کنند که یافته‌ی آن‌ها سوال یا ابهام جدی برای فلان بخش از « فرضیه ی تکامل » ایجاد می‌کند و گروه دیگری از محققان، یافته‌های مقالات خود را که با « فرضیه ی تکامل » تقابل دارد، تنها به عنوان استثنائاتی در این فرضیه می‌پندارند! چرا که تصور می‌کنند، در بقیه ی حیطه‌ها، تکامل اثبات شده و دقیق می‌باشد!

تکلیف دو گروه اول مشخص است و بالطبع ذهن پرسش‌گر آن‌ها می‌تواند تا حدودی به یافتن حقیقت کمک کند، اما در مورد گروه سوم باید نکته‌ای را متذکر شویم:

« فرضیه ی تکامل » یک فرضیه ی چند وجهی است که در حیطه ی علوم مختلفی اظهار نظر می‌نماید که از جمله ی آن‌ها می‌توان به زمین‌شناسی، شیمی آلی، شیمی معدنی، زیست‌شناسی (شاخه‌های مختلف)، آناتومی، آنروپومتری، ژنتیک، پروتئومیکس، اکولوژی، و حتی روانشناسی و جامعه‌شناسی اشاره کرد. به دلیل **حلقه ی قدرتمند مافیای تکامل** که در علوم مختلف مرتبط با آن ریشه دوانده است، همواره این تصور وجود دارد که تکامل در همه ی

این عرصه ها، موفق به اثبات صحت خود شده است! بدین ترتیب هر گاه محققین در شاخه ای از علم، مطلبی غیر منطبق با « فرضیه ی تکامل » می یابند، به تصور این که یافته ی آن ها تنها یک استثناء است و تکامل در بقیه ی شاخه ها، موفق بوده است، موضعی علیه موجودیت «فرضیه ی تکامل» نمی گیرند! البته به مرور زمان، مخاطبان محترم خواهند دید که برخلاف آن چه که ادعا می شود، نه تنها « تکامل » واجد شرایط اطلاق عبارت « نظریه » نمی باشد و در بهترین حالت، تنها یک « فرضیه » است، بلکه در تمامی شاخه های مرتبط با خود، دچار اشکالات، ابهامات و آسیب های جدی است و ما ان شاء الله به مهمترین این ابهامات در حیطه های مختلف، اشاره خواهیم کرد.

در مورد استثناء ها نیز باید بگوییم که وجود ۱ یا ۲ یا ۳ یا حتی ۱۰ استثناء هم در رابطه با یک ادعای علمی، قابل پذیرش است، اما هنگامی که این ادعاها به هزاران مورد می رسد، دیگر استثناء نیستند، بلکه اصل ادعای علمی مورد نظر، رد می شود! تصاویر زیر، به درک بهتر این مطلب کمک می کند:



« دایره ی زرد»، معرف « فرضیه ی تکامل» و لکه های « قرمز» معرف « شواهد نقض کننده ی تکامل» هستند. هنگامی که « شواهد نقض کننده ی تکامل» کم باشند (حدود ۱۰ عدد در تصویر سمت راست)، کماکان « فرضیه ی تکامل» (دایره ی زرد رنگ) غالب است، اما هنگامی که « شواهد نقض کننده ی تکامل» زیاد باشند (هزاران عدد در تصویر سمت چپ)، دیگر غلبه با شواهد نقض کننده است و «فرضیه ی تکامل» (دایره ی زرد رنگ) وجود نخواهد داشت و به چشم نخواهد آمد.

۱۳ - دکتر « سید حسین نصر» استاد ایرانی الاصل کرسی اسلام شناسی دانشگاه های « جرج واشنگتن» و « تمپل»، در اظهار نظری جالب، چنین عنوان کرده است: (۴۶)

«The theory of evolution is the peg of the tent of modernism. If it were to fall down, the whole tent would fall on top of the head of modernism. And therefore it is kept as an ideology and not as a scientific theory which has been proven.»

« نظریه ی (فرضیه ی) تکامل ستون خیمه مدرنیسم است و اگر این ستون سقوط کند، کل خیمه بر سر مدرنیسم فرو خواهد ریخت. بنابراین به مانند یک ایدئولوژی با آن رفتار می شود، نه یک تئوری علمی که به اثبات رسیده باشد. »

همچنین در بخش دیگری از مقاله ی خود، چنین آورده است: (۴۶)

«There are different kinds of scientific theories. For example, you have string theory in physics and cosmology and you have quantum mechanics. Now if someone were to oppose them, no one would expel them from their university; no one would have his or her

promotion denied because of his or her saying "I do not accept this theory." Evolution, on the contrary, is a totally different matter, because it is an ideology, it is not ordinary science; so if you are a professor of biology in a university, especially in the Anglo-Saxon world, less so in Italy, France, and Germany, and if you oppose the theory of evolution on purely scientific grounds, you are rejected and even ejected from your position, your colleagues think you are insane, you do not get promotions, and so on. »

« انواع مختلفی از نظریه های علمی وجود دارند. مثلاً مکانیک کوانتوم یا تئوری زنجیره در فیزیک و کیهان شناسی. اکنون اگر کسانی با این نظریه ها مخالفت ورزند، هیچ کس آنها را از دانشگاه اخراج نمی کند و هیچ کس به خاطر بر زبان راندن جمله « من این نظریه را نمی پذیرم »، مانع ارتقای شغلی آنها نمی شود. تئوری تکامل - برعکس همه نظریه ها - موضوعی کاملاً متفاوت است زیرا این تئوری یک ایدئولوژی است و نه علم متعارف. بدین ترتیب اگر شما استاد زیست شناسی در یک دانشگاه، به خصوص در دنیای آنگلو ساکسون و کمتر در ایتالیا، آلمان و فرانسه باشید و **اگر طبق زمینه های کاملاً علمی با نظریه ی تکامل مخالفت ورزید، فردی مطرود خواهید بود و حتی موفقیت کاری خویش را نیز از دست خواهید داد، همکارانتان شما را ابله می پندارند، ارتقای شغلی نمی یابید و ...** »

اعتراف به برخورد ویژه ی غرب با « فرضیه ی تکامل » از سوی فردی که خود در مغرب زمین، زندگی کرده و در دانشگاه های آن تدریس می نماید، خود شاهد بسیار مهمی برای صحت سخنان « منتقدان تکامل » است. به عبارت دیگر، جوامع غربی و ماسونی، به « فرضیه ی تکامل »، نه به عنوان یک فرضیه ی علمی، بلکه به عنوان « ناموس » و « ایدئولوژی » خود نگاه می کنند و با توجه به این که موجودیت خود را در گرو آن می بینند، به انحاء مختلف سعی در دفاع و حفاظت از آن دارند! حتی اگر شواهد مهمی علیه آن کشف شود! ای کاش دوستان ساده دل

ما، به این واقعیت توجه می نمودند و به حمایت بی چون و چرا از این « فرضیه » ی پر ایراد نمی پرداختند!!!

البته تمامی مواضع به اصطلاح اسلام شناسان ساکن غرب و به خصوص افراد دارای سوابق مشکوک، مورد تأیید ما نیست، اما سخنان اعتراف گونه ی آنان در لا به لای مقالات، آن هم در شرایطی که مشابه چنین مطالبی، از سوی منابع و افراد متعددی نیز شنیده می شود، سر نخ های مهمی از تحرکات مافیای تکامل به دست می دهد.

۱۴ - هدف اصلی این سلسله مقالات، برگرداندن « فرضیه تکامل » به جایگاه حقیقی خود می باشد؛ یعنی با توجه به وجود شواهد علمی متعدد در مقابل این « فرضیه » و عدم وجود شرایط « نظریه » شدن در آن، هدف ما این است که مخاطبان محترم از این به بعد، به « تکامل » به عنوان یک « فرضیه » ی پراشکال بنگرند، نه یک « نظریه » ی اثبات شده! ضمناً به هیچ عنوان نظر ما درباره ی خلقت، با مسیحیان معتقد به « خلقت گرایی زمین جوان : Young Earth Creationism »^(۴۷) شباهت ندارد! ان شاء الله ما در آخرین مقاله از این سلسله مقالات، به بیان دیدگاه خود در این خصوص خواهیم پرداخت که این دیدگاه نیز تنها یک « فرضیه » خواهد بود! چرا که اصولاً با توجه به پیچیدگی های مبحث خلقت و عدم وجود شواهد کافی در دسترس، اصولاً امکان ارایه ی یک نظر صریح و دقیق درباره ی خلقت جهان و انسان وجود ندارد! ان شاء الله با ظهور مفسر بزرگ قرآن کریم، **حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**، این رمز نیز بازگشایی خواهد شد.

۱۵ - همه ی دوستان احتمالاً داستان « لباس پادشاه » اثر « هانس کریستین آندرسن » را شنیده اند.^(۸۰) خلاصه ی داستان بدین ترتیب است: « دو مرد شیاد به پادشاه قول می دهند که لباسی فاخر و زربفت برایش بدوزند، ولی سرانجام جامه ای نامرئی به تن پادشاه می کنند و می گویند این لباس را تنها کسانی می بینند که حلال زاده باشند! وقتی پادشاه لباس را به تن می کند، اطرافیانش با این که لباسی بر تن پادشاه نمی بینند، اما برای آن که کسی آن ها را

حرامزاده نخواند، از لباس های پادشاه تعریف می کنند! پادشاه برای نمایش لباس فاخرش به میانه شهر می رود و مردم نیز به قاعده ی اطرافیان پادشاه و به همان دلیل، از لباس تعریف و تمجید می کنند و هلله می کشند! کودکی که بر شاخه ی درختی نشسته است، فریاد می زند که پادشاه لباسی به تن ندارد و عریان است! مردم نیز پس از آن که مطمئن می شوند پادشاه واقعاً لخت است و حکماً آن ها حرامزاده نیستند، شادمانه به عریانی پادشاه می خندند! «(۸۰)».

متأسفانه وضعیت « فرضیه ی تکامل » نیز داستانی شبیه لباس پادشاه دارد! **علی رغم این که** روز به روز بر شواهد نقض کننده ی « فرضیه ی تکامل » افزوده می شود و ابهامات و سوالات بیشتری در مقابل آن مطرح می شود، متأسفانه هنوز **جرأت کافی** در بین بسیاری از دانشمندان برای بیان آزادانه ی انتقاداتشان از این « فرضیه » ی پر اشکال وجود ندارد! چرا که نگران واکنش ها، سخت گیری ها و آزارهای مافیای قدرتمند حامی « تکامل » در سراسر جهان می باشند! به لطف باری تعالی، ما مفتخر خواهیم بود که بتوانیم حداقل همچون « کودک » داستان « لباس پادشاه »، عریانی و پوچی « فرضیه ی تکامل » را فریاد بزنیم؛ حتی اگر دیگران ما را « کودک » بخوانند!

۱۶ - به لطف باری تعالی، روز به روز به تعداد شواهدی که « فرضیه ی تکامل » را به چالش می کشند، اضافه می گردد و این مسئله به خصوص در کشفیات پس از سال ۲۰۰۶ میلادی، ملاحظه می گردد. این امر، نوید روزهای بهتر برای منتقدان « فرضیه ی تکامل » و روزهای سخت تری را برای طرفداران « فرضیه ی تکامل » می دهد! **با افزایش تعداد کشفیات جدید در حوزه های مختلف، روز به روز بر عقب نشینی تکامل شناسان، افزوده شده و پوچی و بی محتوایی این فرضیه ی پر اشکال، بیش از پیش مشخص خواهد شد. پس دست در دست هم، این عقب نشینی و اضمحلال را به نظاره می نشینیم. ان شاء الله.**

خادم الامام (عج) - وعده صادق